



گزارش سالانه‌ی وضعیت آزادی بیان، خبرنگاران، رسانه‌ها و  
حق دسترسی به اطلاعات در افغانستان



اپریل ۲۰۲۳

حمل ۱۴۰۲

## سر سخن

پس از آن که در اگست ۲۰۲۱ طالبان در نتیجه‌ی فرار اشرف غنی، تمام قدرت حاکمه در افغانستان را به صورت یک جانبه تصرف کردند، همان گونه که توقع می رفت، آنان بدون توجه به توقعات مردم افغانستان و جامعه‌ی بین‌المللی، اقداماتی را به اجرا گذاشتند که با هیچ رسم و آیین سازگاری نداشته و فقط به اساس قرائت‌های فردی از دین و به اساس اصول جامعه‌ی بدوی تدوین گردیده است. رفتار و عمل‌کردهای طالبان تمام عرصه‌های زنده‌گی در افغانستان را تحت تأثیر منفی و یک عقب‌گرد کلی قرار داد که از آن جمله وضعیت حقوق بشر و آزادی بیان، و به همین گونه دریافت و چرخش اطلاعات را به صورت اساسی صدمه زد.

رهبری بنیاد فہمید دشتی، به منظور مطالعه و بررسی دقیق و غیرجانبدارانه‌ی وضعیت آزادی بیان، خبرنگاران، رسانه‌ها و حق دسترسی به اطلاعات، تصمیم گرفت تا هر سال گزارشی از وضعیت آزادی بیان، رسانه‌ها، خبرنگاران و حق دسترسی به اطلاعات را به نشر سپرده، توجه جامعه‌ی بین‌المللی را نسبت به آن جلب کند. به همین منظور نخستین گزارش در این خصوص پس از مصاحبه و کسب معلومات از تعدادی از خبرنگاران فعال در افغانستان ترتیب گردیده که شامل آمار و ارقام خشونت علیه خبرنگاران، مشکلات زنان خبرنگار، توقف نشرات رسانه‌ها پس از اگست ۲۰۲۱، وضعیت حق دسترسی به اطلاعات، و سروی وضعیت آزادی بیان و امنیت خبرنگاران در افغانستان می‌گردد.

دریافت عمومی نشان می‌دهد که افغانستان پس از اگست ۲۰۲۱ از نظر رعایت موازین حقوق بشر و به ویژه حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها در یک وضعیت بحرانی و مشابه به شرایط دور اول حاکمیت طالبان (۱۹۹۶ - ۲۰۰۱) قرار گرفته است. تمام معیارهای شامل در شاخصه‌های سنجش سطح آزادی بیان سیر نزولی داشته و هیچ یک از معیارها رعایت نمی‌گردد. با آن که به صورت ظاهری قانون رسانه‌های همه‌گانی نافذ پنداشته می‌شود، اما هیچ تضمین و اعتباری نسبت به رعایت آن وجود نداشته و اعمال فشار و تهدید توسط طالبان یگانه اصل موجود در این عرصه به حساب می‌آید.

در کنار نقض معیارهای آزادی بیان، وضعیت امنیتی خبرنگاران نیز روز به روز بحرانی تر می‌شود. با آن که به دلیل کم شدن تعداد رسانه‌ها، کم شدن تعداد خبرنگاران، بازتاب نیافتن شکایات، عدم موجودیت مراجع درج شکایات و ترس و تهدید حاکم بر فضا، در تعداد وقایع درج شده‌ی خشونت نسبت به خبرنگاران از نظر کمی یک کاهش کاذب به میان آمده، اما کیفیت تهدید به مراتب بلندرفته و سبب نقض صریح و سازمان‌یافته‌ی آزادی بیان می‌گردد. به اساس گزارش کمیته‌ی مصئونیت خبرنگاران تنها در سال ۱۴۰۱ خورشیدی ۱۵۸ مورد خشونت به شمول ۱۸ مورد زخمی شدن و یک مورد قتل نسبت به خبرنگاران صورت گرفته است. موارد باقیمانده، شکنجه و زندانی شدن غیر قانونی را در بر می‌گیرد.

با توجه به این نکته که حق آزادی بیان و حق دسترسی به معلومات و اطلاعات از حقوق اساسی و ابتدایی افراد در هر جامعه‌ی دموکراتیک است و با توجه به این امر که در تمام جوامع و به ویژه در شرایط بحران و جنگ، نقش رسانه‌ها در ارایه‌ی معلومات

دقیق و به موقع بسیار ارزنده و حیاتی پنداشته می‌شود؛ بنیاد تلاش اعظمی به خرج خواهد داد تا گزارش های مؤثق و دقیق از وضعیت آزادی بیان و وضعیت خبرنگاران و هم چنان وضعیت رسانه ها در افغانستان را به صورت منظم به نشر بسپارد. جا دارد تا از همکاران ما در بنیاد فهیم دشتی آقای صدیق الله توحیدی، بانو خوش ناز محجوب، داکتر حمید هامی و کاوه آهنگر که در کار تهیهی گزارش سالانه همکاری همه جانبه کرده اند، اظهار سپاس و قدردانی شود.

با احترام

سیاره دشتی

رئیس بنیاد فهیم دشتی

## مشکلات زنان خبرنگار در افغانستان

حسنا جمشیدی - نام مستعار - یک تن از زنان خبرنگار است و می‌گوید که پس از حاکمیت طالبان در کشور شغلش را از دست داده و فعلاً از بیکاری او حدود یک و نیم سال سپری می‌شود.

او بیان می‌دارد که تعداد زیادی از دختران خبرنگار به خاطری که بیکار نمانند، با شماری از رسانه‌ها به صورت رایگان کار می‌کنند. او افزود: «خودم از وقتی که طالبان آمده‌اند بیکار شده‌ام که این اوضاع واقعا حالت روحی مرا خراب کرده است. زمانی که کار می‌کردم، دست‌مزد من کمکی بود به خانواده‌ام اما فعلاً هیچ درآمدی ندارم، فقط به خاطر این که بیکار نباشم و به افسردگی مبتلا نشوم، تلاش می‌کنم بنویسم، حتا اگر رایگان هم باشد.» او در ادامه می‌گوید که بیکاری سبب بروز و شدت گرفتن بیماری روانی نزد او شده که به گفته داکتران نگران کننده است.

بانو جمشیدی می‌افزاید: «در روزهای اول حاکمیت طالبان واقعا روحیه‌ی خود را از دست داده بودم و به شدت نگران اوضاع کاری خود بودم این نگرانی‌ها باعث شده بود که خیلی مریض شوم و حتا به مرگ علاقه پیدا کنم و فکر می‌کردم دنیا به آخر رسیده است. بالاخره نزد داکتر رفتم، داکتر به خاطر وضعیت اقتصادی‌ام فیس خود را تخفیف داد. در این اواخر کمی حالت روحی من خوب است، اما اگر وضعیت زنده‌گی به همین منوال ادامه پیدا کند، مطمئن نیستم که این حالت هم ادامه پیدا کند.»

او می‌گوید که تمام نهادهای حامی باید رسانه‌ها و خبرنگاران را حمایت کنند: «نهادهایی که سال‌ها کار کردند باید خبرنگاران و به ویژه زنان خبرنگار را حمایت کنند، باید زمینه‌های کار برای ما مانند گذشته یا حداقل پنجاه درصد مانند گذشته فراهم شود.»

شرمیلا حبیبی یک تن دیگر از خبرنگاران است که در حال حاضر با یکی از رسانه‌های محلی در هرات کار می‌کند. او می‌گوید که مشکلات زنان خبرنگار هر روز در حال افزایش است و او گاهی به دلیل افزایش این محدودیت‌ها مجبور است که ساعت‌ها پشت دروازه‌های ارگان‌های دولتی منتظر بماند تا معلومات مورد نظر را دریافت کند.

او بیان می‌دارد: «زمانی که یک خانم برای گرفتن اطلاعات مراجعه می‌کند، با مشکلات زیادی مواجه می‌شود و به اندازه‌ای که زنان نیاز به اطلاعات دارند به دسترس آنان قرار نمی‌گیرد. با وجود تمام مشکلات خانم‌ها به این مشکلات زیادتر مواجه هستند چندین بار پشت دروازه‌های نهادهای حکومتی با دیگر همکارانم معطل بودیم که برای ما اطلاعات بدهند اما در نهایت هیچ اطلاعاتی در دسترس ما قرار ندادند و ما هم مجبور شدیم که از گرفتن اطلاعات صرف نظر کنیم.»

شرمیلا می‌افزاید که گاهی برخی از نهادهای دولتی به خاطر ندادن اطلاعات به وی توهین کرده و او را از اداره اخراج می‌کنند.

او بیان داشت: «بارها مرا از اداره‌های دولتی اخراج کردند، مثلاً همین چند روز پیش رفتم به شفاخانه، یکی از مسوولین بعد از گرفتن مکتوبی که من از دو جا برایش برده بودم، مرا اخراج کرد و حرف‌های رکیکی هم برای من گفت، پس از آن بی‌نهایت ناراحت شدم.»

او هم‌چنان می‌افزاید که اگر خبرنگاران مرد به دنبال اطلاعات بروند، مسوولین دولتی بدون هیچ مشکلی برای آنان اطلاعاتِ حد اقل مورد نظر خود را می‌دهند: «من گاهی فکر می‌کنم که طالبان تنها با زنان مشکل دارند، وقتی همکار مرد برای گرفتن اطلاعات مراجعه می‌کند، برای او اطلاعات می‌دهند اما وقتی زنان مراجعه کنند، اطلاعات نمی‌دهند که هیچ؛ گاهی مورد توهین و تحقیر هم قرار می‌گیریم.»

به گفته‌ی وی زنان روزنامه‌نگار همواره به خاطر پوشش و نحوه‌ی تولید گزارش از سوی طالبان تحت فشار قرار دارند و وی از نهاد‌های حامی رسانه‌ها می‌خواهد تا برای زنان روزنامه‌نگار هم‌چون گذشته فرصت‌های کاری مساعد کنند: «از نهاد‌های حامی رسانه‌ها و مسوولین دولتی طالبان خواهش می‌کنم روی ایجاد فرصت‌های کاری برای زنان خبرنگار بیشتر تمرکز کنند چون واقعا در شرایط بدی به سر می‌بریم.»

با این همه مسوولان در نهاد‌های حامی رسانه‌ها می‌گویند که آنان به خاطر افزایش تعداد زنان خبرنگار در هرات و سایر ولایت‌های غربی برنامه‌های مختلفی دارند.

زینب محسنی مسوول جندر-جنسیت-کمیته‌ی مصوونیت خبرنگاران در زون غرب می‌گوید که نهاد آنان به خاطر حمایت مالی برخی از خبرنگاران و جذب آنان در رسانه‌ها، برنامه‌های مختلفی دارد که فعلاً روی این برنامه‌ها کار می‌کند. او بیان می‌دارد که در حال حاضر در تمام حوزه‌ی غرب، به تعداد پنجاه فعال رسانه‌یی وجود دارد که تعداد آنان متغیر می‌باشد.»

خانم محسنی در ادامه می‌افزاید که در ولایت‌های فراه و غور تا حالا اجازه‌ی فعالیت زنان در رسانه‌ها داده نشده است: «ما در تلاش این هستیم که با مسوولین گروه طالبان گفتگو کنیم و راهی به خاطر فعالیت مجدد زنان در این ولایات پیدا کنیم. تعدادی از خانم‌هایی هم که در این ولایت هنوز با رسانه‌ها کار می‌کنند، یا با قرارداد رسمی کار نمی‌کنند و یا به شکل رضاکار فعالیت می‌نمایند؛ رسانه‌ها در قسمت عدم استخدام بانوان مشکلات مالی را عنوان می‌کنند.»

او بیان می‌دارد که کمیته‌ی مصوونیت خبرنگاران در حوزه غرب، با توجه به شرایط آنان در تلاش حمایت‌های مالی برای زنان هستند: «ما درخواست‌های مالی زیادی از خبرنگاران حوزه‌ی غرب دریافت کردیم که تا حالا پنج قضیه حداقل در دو ماه گذشته پذیرفته شده است.»

او با تاکید وضعیت بد روانی زنان خبرنگار گفت که کمیته‌ی آنان در تلاش درمان این بانوان با هزینه‌ی این کمیته هستند.

این نگرانی‌های درحالی‌ست که در گزارشی که شنبه، ۲۷ حوت از سوی AFJC یا مرکز خبرنگاران افغانستان به مناسبت روز ملی خبرنگار در مورد وضعیت خبرنگاران به به نشر رسید گفته شده است که شرایط برای کار در رسانه‌ها در سال ۱۴۰۱ به شدت محدود شده است.

وضعیت زنان خبرنگار در سایر حصص کشور نیز متفاوت تر از حوزه غرب نیست و در برخی مناطق آنان با مشکلات بیشتر مواجه هستند. محدود شدن شرایط کاری، افزایش خشونت و تهدید، بسته شدن برخی رسانه‌ها، بدرفتاری، اخراج بی موجب از کار، تبعیض جنسیتی، و موارد دیگر از مشکلات عمده خوانده شده است. برخی از زنان خبرنگار، حتا از تغییر وضعیت در فضای خانواده نسبت به خود سخن گفته اند و آن را ناشی از تهدیدهای امنیتی خانواده‌های شان می‌دانند که به دلیل کار آن‌ها در رسانه احتمالاً خانواده‌های خود را با آن مواجه بسازند. آنان می‌گویند برخلاف گذشته که در کار خویش مورد تشویق اعضای خانواده قرار می‌گرفتند، حالا به آنان گفته می‌شود که از کار خبرنگاری به علت مشکلات امنیتی که می‌تواند به خود آنان و اعضای خانواده آسیب برساند، صرف‌نظر کنند.

مرکز خبرنگاران افغانستان در گزارشی می‌نگارد که وضعیت آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در سال ۱۴۰۱ در افغانستان رو به وخامت نهاده و در کنار افزایش دو برابری رویدادهای خشونت و تهدید خبرنگاران نسبت به سال ۱۴۰۰، فضای کار برای خبرنگاران و رسانه‌ها محدود شده است.

در چنین حالی، اتحادیه خبرنگاران آزاد افغانستان گزارش داده که ده رسانه از جمله هفت رادیو، دو تلویزیون و یک خبرگزاری به علت مشکلات مالی در سال گذشته میلادی در کشور بسته شده‌اند که برخی از خبرنگاران و کارمندان رسانه‌یی کار شان را به همین دلیل از دست داده‌اند.

به گزارش مرکز خبرنگاران افغانستان در ۳۴ ولایت کشور «دست‌کم ۲۳۷ رویداد نقض آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران شامل تهدید، بازداشت و برخورد خشونت‌آمیز، ثبت شده که در مقایسه با ۱۱۷ مورد مشابه در سال ۱۴۰۰، بیشتر از دو برابر افزایش را نشان می‌دهد.» این موارد شامل «دست‌کم ۱۱۳ مورد تهدید و یا بدرفتاری با خبرنگاران و توهین به آنها، دست‌کم ۸ رویداد خشونت فیزیکی و یا ضرب و شتم و دست‌کم ۹۴ قضیہ بازداشت موقت از یک تا چند ساعت و چند روز و حتی چندین ماه» می‌شود.

تمام این محدودیت‌ها بر کار زنان خبرنگار نیز اثر گذاشته و به اساس دریافت‌های گزارشگران بدون مرز، در ماه اسد سال ۱۴۰۱ خورشیدی از ۲۷۵۶ زن روزنامه‌نگار و کارمند رسانه در افغانستان که قبل از تسلط طالبان فعالیت داشتند، تنها ۶۵۶ تن هنوز کار می‌کردند. این رقم تا پایان سال ۱۴۰۱ خورشیدی به مراتب کاهش یافته است.

## توقف نشرات رسانه‌ها پس از اگست ۲۰۲۱

از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ حدود سه هزار رسانه‌ی چاپی و برقی در وزارت اطلاعات و فرهنگ به ثبت رسید؛ اما به مرور زمان رسانه‌های چاپی به دلیل پایان بودن سطح روزنامه خوانی در کشور کاهش یافتند. در مقابل تعداد رادیوهای اف ام (FM) و تلویزیون‌های خصوصی افزایش پیدا کرد.

تمویل کننده‌های بین‌المللی با درک این موضوع که روزنامه خوانی در افغانستان به عادت عمومی مبدل نشده است، تلاش کردند تا رسانه‌های شنیداری و دیداری (رادیوها و تلویزیون‌ها) را مورد حمایت قرار بدهند. در کنار نهادهای خارجی پشتیبان رسانه‌ها، شخصیت‌های سیاسی، بازرگانان، رجال قومی و حتا استخباراتی کشور اقدام به تأسیس رسانه‌های خصوصی به ویژه تلویزیون‌ها کردند تا به توجیه کارکردهای خود بپردازند.

قانون رسانه‌های همه‌گانی افغانستان زمینه تأسیس و فعالیت رسانه‌ها را تسهیل کرده بود. طبق آخرین آماري که نهاد نی، حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان در سال ۲۰۱۳ منتشر کرد، در افغانستان بیش از ۶۰۰ رسانه‌ی فعال وجود داشت، که بیش از ۱۲۰۰۰ کارمند رسانه‌ی، به شمول حدود ۲۰۰۰ بانو در این رسانه‌ها کار می‌کردند.

براساس داده‌های رسمی؛ رادیوها و تلویزیون‌ها در افغانستان، در هر ۲۴ ساعت بیش از ۲۵۰ ساعت برنامه‌ی خبری تولید می‌کردند. براساس همین داده‌ها رادیوها در هر ۲۴ ساعت حول و حوش دوهزار ساعت موسیقی و برنامه‌های تفریحی پخش می‌کردند. حداقل ۴۰۰ ساعت صدای مردم در هر ۲۴ ساعت به نشر می‌رسید. نشر فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی در هر ۲۴ ساعت، حداقل ۱۵۰ ساعت بود. سهم رسانه‌های چاپی در این میان در هر ۲۴ ساعت، چاپ ۶۰۰ صفحه روزنامه بود که این حجم تولید و نشر و پخش در تاریخ رسانه‌های افغانستان سابقه نداشت.

با فرارسیدن سال ۲۰۱۴ میلادی و کاهش حمایت‌های بین‌المللی، رشد رسانه‌های افغانستان سیر نزولی را در پیش گرفت که پس از تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱ یعنی زمان سقوط حکومت اشرف غنی یا به اصطلاح مروج «جمهوریت» این روند به اوج خود رسید. پس از سقوط حکومت اشرف غنی، ۵۰ درصد رسانه‌ها در سرتاسر افغانستان سقوط کردند، و بیش از ۲۰۰۰ کارمند رسانه‌ی کشور را ترک گفتند و بخش زیادی از تعداد باقی مانده هم ترک کار رسانه‌ی کرده، به مشاغل دیگر رو آورده و یا بیکار شدند. در این میان سوای تعداد کمی از بانوان آن‌هم در کابل، دیگران از وظایف‌شان در رسانه‌ها برکنار شدند. بدتر شدن وضعیت آزادی بیان و رسانه‌ها که از زمان به قدرت رسیدن اشرف غنی در ۲۰۱۴ آغاز گردیده بود، با خروج نا به هنگام نیروهای خارجی شدت یافت و با به قدرت رسیدن دوباره‌ی طالبان به صورت کامل از عرصه‌ی حیات اجتماعی و سیاسی افغانستان محو گردید.

طالبان در روزهای نخست حضور دوباره‌ی شان طوری وانمود کردند که انگار با رسانه‌ها میانه‌ی خوب خواهند داشت، اما در خفا دست به گرفتاری و اذیت رسانه‌گران زدند. این برخورد طالبان باعث فرار تعداد زیادی از رسانه‌گران به بیرون از کشور شد.

با سپری شدن بیش از یک و نیم سال، تعداد رسانه‌های فعال از ۲۵۰ به کمتر از ۷۰ رسید و تعداد کارکنان و کارمندان رسانه‌ای از حدود ۱۰۰۰۰ تن به کمتر از ۳۰۰۰ تن سقوط کرد. حضور زنان در رسانه‌ها از ۱۷۰۰ تن در سال ۲۰۲۱ به ۷۰ تن رسیده است.

باتوجه به آنچه گفته شد، سیر پوشش و توسعه‌ی رسانه‌ها در افغانستان به صورت مطلق متوقف گردیده، و سیاست اعمال فشار و سانسور طالبان و فضای سمی اختناق، کار رسانه‌ها در کشور را با دشواری بیشتر مواجه ساخته و بیم آن می‌رود که همه از کار مؤثر رسانه‌یی باز بمانند. طالبان رسانه‌های آزاد در افغانستان را محصول حضور کشورهای غربی به ویژه امریکا می‌دانند و در چارچوب فکری آن‌ها که برخاسته از قرائت‌های فردی و آموزه‌های افراطی دینی و قومی است، چیزی به نام آزادی بیان وجود ندارد.

حمایت‌های معنوی از رسانه‌های آزاد کاملاً قطع شده و حمایت مالی نیز به دلیل کاهش کمک‌های جامعه جهانی و تقلیل یافتن پیام‌های بازرگانی که یکی از منابع اصلی تمویل رسانه‌ها بود؛ نیز به رکود کامل مواجه است. در بیست سال گذشته یکی از دست آوردهای مهم نظام افغانستان، حضور پررنگ رسانه‌های آزاد بود که بیشتر کمک‌کننده‌های جهانی و دولت‌های افغانستان از آن به عنوان یکی از شاخص مهم توسعه‌ی کشور یاد می‌کردند. اما طالبان با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها همه‌ی این دست آوردهای مهم و اساسی را از میان بردند و در حال حاضر رسانه‌های غیر وابسته در افغانستان آخرین نفس‌های خویش را می‌کشند.

طالبان سعی دارند کشور را بار دیگر به قبل از سال ۲۰۰۱ میلادی ببرند؛ اعمال سیاست‌های متحجرانه بر رسانه‌ها این تصور را به وجود آورده است که اگر وضع به همین منوال ادامه یابد ممکن است در سرتاسر کشور بیش از دو رسانه‌ی غیردولتی باقی نماند.

ایجاد فضای ترس، دلهره و اختناق از روش‌های اصلی گروه‌های افراطی و تروریست برای اعمال حاکمیت شان بر مردم است که آزادی و ارزش‌های حقوق بشری از نخستین قربانیان این وضعیت هستند. طالبان که قبل از به قدرت رسیدن شان تبلیغ می‌کردند رویکردشان نسبت به حقوق بشر متحول شده است، اما بعد از برگشت شان به قدرت و گذشت بیش از یک سال نیم از تسلط، نشان دادند که حاضر به هیچ نوع مسامحه نبوده، هر روز با صدور فرامین و احکام سخت‌گیرانه‌تر فضای زنده‌گی را بر شهروندان افغانستان، به ویژه زنان تنگ‌تر می‌سازند.

استخبارات طالبان به پیمانه‌ی وسیع در امور رسانه‌ها مداخله می‌کند تا آن‌جا که در مواردی رسانه‌ها را تهدید به بستن کرده است.

از جانب دیگر با آن که منطق وجودی رسانه‌های آزاد اعمال آزادی بیان است، در حال حاضر حتا کاربران شبکه‌های اجتماعی که منتقد طالبان اند، توقیف و زندانی می‌شوند و رسانه‌ها در حالت سانسور قبل از نشر به سر می‌برند. در چنین وضعیتی منطق رسانه‌های آزاد رخت از میان بر بسته است.

باور اکثر کارشناسان رسانه‌یی این است که اگر اداره طالبان با وضعیت فعلی آن که با یک خودسری مطلق عمل می‌کند، ادامه یابد، به زودی در افغانستان چیزی بنام آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها باقی نخواهد ماند، کم‌این که همین اکنون هم این ارزش‌ها عملاً در جامعه وجود ندارند.



## وضعیت حق دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات به عنوان حق طبیعی و بشری انسان‌ها شناخته شده است. ماده‌ی ۱۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ماده‌ی ۱۹ میثاق حقوق مدنی-سیاسی دولت‌ها را مکلف به رعایت این حق می‌داند.

در جوامع متمدن و دموکراتیک، دسترسی به اطلاعات منحصر به رسانه‌ها و خبرنگاران نبوده بلکه تمام شهروندان از این حق برخوردار هستند. دولت‌های مسئول و پاسخ‌گو به گونه‌ی کنش‌گرانه و فعال، کارکردهای خود را پخش و نشر می‌کنند تا شهروندان در جریان عمل‌کرد های دولت قرار گرفته و بر مبنای آن داوری داشته باشند.

از جانب دیگر اراییه‌ی اطلاعات تنها گزارش‌های خبری و اتفاقات روزانه نمی‌باشد، بلکه دولت‌ها مسئول هستند تا از تمامی قراردادهای تجارتي، برنامه‌های توسعه‌ی، بودجه‌ی دولت، حتا تخصیص بودجه نظامی و امنیتی به طور فعالانه به مردم گزارش داده و اسناد مربوطه را در دسترس عموم قرار بدهند. نشر و پخش اطلاعات از جانب دولت‌ها سبب افزایش شفافیت در عملکرد دولت‌ها گردیده، فضای اعتماد و اطمینان در جامعه را به میان آورده و دوام آن را تضمین می‌کند.

خبرنگاران و رسانه‌ها به طور سنتی افراد و نهادهایی اند که بخش عمده‌ی وظایف و عمل‌کردهای آنان را نشر و پخش اطلاعات تشکیل می‌دهد. روی همین ملحوظ است که نخستین ایستگاه مردم برای دریافت اطلاعات، خبرنگاران و رسانه‌ها اند. از جانب دیگر یک خبرنگار یا رسانه نمی‌تواند بدون دسترسی به اطلاعات، گزارش‌های واقع‌بینانه، دقیق، به دور از جانب‌داری و متوازن را به نشر برساند.

قبل از سقوط حکومت افغانستان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ ساختارهای حقوقی و اداری لازم به منظور تحقق حق دسترسی به اطلاعات وجود داشت. ماده‌ی پنجاهم قانون اساسی در مورد حق دسترسی به اطلاعات چنین صراحت دارد: «اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارت دولتی را در حدود احکام قانون دارا می‌باشند.»

به تاسی از همین ماده‌ی قانون اساسی کشور، در سال ۲۰۱۷ قانون حق دسترسی به اطلاعات نافذ گردید که به تعقیب آن کمیسیون نظارت از حق دسترسی به اطلاعات منحيث یک نهاد مستقل ایجاد شد. پس از ایجاد این کمیسیون، تقریباً در تمام ادارات دولتی بخش‌هایی به منظور پاسخ‌گویی به تقاضاهای شهروندان در جهت دریافت اطلاعات از ادارات دولتی ایجاد گردید و یا افرادی به همین منظور در آن ادارات استخدام شدند. خبرنگاران به مقام‌های دولتی دسترسی داشتند و می‌توانستند اطلاعات مورد نیاز خود را اگرچه با تاخیر - که گاه چندین ماه را در بر می‌گرفت - از ادارت به دست بیاورند.

با آن که موارد فراوان، به ویژه ذهنیت برخی از کارمندان ادارت دولتی که هر نوع اطلاعات اداره‌ی شان را محرم و سرّی پنداشته و نمی‌دانستند که دسترسی به اطلاعات حق شهروندان است، در امر عملی شدن قانون حق دسترسی به اطلاعات

چالش‌هایی را به وجود آورده بود؛ اما در مجموع وضعیت حق دسترسی به اطلاعات به مراتب از آن‌چه امروز اتفاق می‌افتد، بهتر بود.

طالبان در نخستین هفته‌های پس از به قدرت رسیدن شان، قانون اساسی را ملغی اعلام کردند که به صورت طبیعی تمام قوانین دیگری که به تاسی از قانون اساسی (قانون مادر) ایجاد شده بود، لغو شده تلقی می‌گردند؛ اما با آن‌هم طالبان اعلان کردند که قانون رسانه‌های همه‌گانی کماکان نافذ می‌باشد. طالبان، اما در مورد قانون حق دسترسی به اطلاعات گفته اند که این قانون با «اندک تغییرات» غرض تصویب به ملامت‌الله رهبر این گروه فرستاده شده است.

مقام‌های طالبان در مورد تغییرات وارده یا پیشنهادی در قانون حق دسترسی به اطلاعات، اظهار نظر نکرده اند. در نوامبر سال ۲۰۲۲ گروه طالبان به عوض «کمیسیون مستقل نظارت از حق دسترسی به اطلاعات»، ریاست دسترسی به اطلاعات را در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ ایجاد کردند که به قول برخی از خبرنگارانی که در تهیه‌ی این گزارش با ما همکاری نموده اند، این ریاست بیشتر بخاطر هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سخن‌گویان گروه طالبان ایجاد شده است، تا ایجاد تسهیلات در قسمت ارایه‌ی اطلاعات به شهروندان.

از سوی دیگر، حتا اگر به گفته‌ی مقامات طالبان، قانون حق دسترسی به اطلاعات با تغییرات پیشنهادی به رهبر این گروه فرستاده شده باشد، این امر سبب معطل ماندن تطبیق قانون شده نمی‌تواند و قانون باید الی تصویب قانون جدید کماکان نافذ باشد؛ اما طالبان آن را نافذ ندانسته و حتا در جهت مخالف آن نیز حرکت داشته اند.

در جریان تهیه‌ی این گزارش با چندین رسانه و خبرنگار در رابطه به نحوه‌ی دسترسی شان به اطلاعات تماس گرفته شد که همه از عدم همکاری طالبان در زمینه‌ی دادن اطلاعات به رسانه‌ها و خبرنگاران شکایت داشتند.

یک‌تن از خبرنگاران در کابل -نام به دلایل امنیتی محفوظ است- در تماس با ما اظهار داشت «هرگاه حادثه‌ای مانند انفجار یا جنگ در داخل شهر کابل اتفاق بیفتد، طالبان نه تنها به خبرنگاران اجازه نمی‌دهند به محل حادثه بروند و گزارش تهیه کنند بلکه به نهادهای ذیدخل در قضیه دستور می‌دهند تا هیچ نوع اطلاعات به خبرنگاران داده نشود. آن‌ها فقط اطلاعاتی را که خود می‌خواهند به خبرنگاران می‌دهند و ما می‌دانیم که آن اطلاعات همه نادرست و تبلیغاتی است.»

مدیر مسئول یک رادیوی محلی در شهر مزارشریف در پاسخ به پرسش یک‌تن از پژوهش‌گران ما از فشار بیش از حد طالبان بر رسانه‌ها شکایت می‌کرد. به قول او «طالبان نه تنها در قسمت ارایه‌ی اطلاعات با رسانه‌ها همکاری نمی‌کنند، بلکه رسانه‌ها را تحت فشار قرار داده اند تا فقط اخبار و گزارش‌های مطابق به خواست آن‌ها را نشر کنند.» وقتی از او در مورد تفاوت رفتار طالبان نسبت به رسانه‌ها در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ پرسیده شد، او در پاسخ گفت: «در سال ۱۴۰۰ که طالبان تازه به قدرت رسیده بودند، رفتارشان نسبت به خبرنگاران، رسانه‌ها و به ویژه خبرنگاران زن خشن و دور از آداب انسانی بود، اما هنوز روش‌های تحت فشار قرار دادن رسانه‌ها به منظور نشر گزارش‌های دل‌خواه شان را بلد نبودند؛ تمام برخوردشان نسبت به

رسانه‌ها در همان رفتار خشن شان خلاصه می‌شد، اما اینک آن‌ها یاد گرفته اند که چگونه رسانه‌ها و خبرنگاران را تحت کنترل خویش بیاورند که این وضعیت خیلی خطرناک است».

ادعای این مدیرمسئول رسانه در شهر مزارشریف را یک تن از خبرنگارانی که قبلاً با یکی از شبکه‌های رادیویی سرتاسری افغانستان در ولایت قندهار همکار بود و حالا به حیث خبرنگار مستقل برای خبرگزاری‌های داخلی و خارجی کار می‌کند، نیز تایید کرده، می‌گوید: «طالبان به صورت منظم به خبرنگاران و رسانه‌ها در مورد چگونه‌گی ترتیب و پخش گزارش‌ها و نشرات شان دستور می‌دهند. آن‌ها در سال اول حاکمیت شان فقط متوجه برنامه‌های سرگرمی و فرهنگی رسانه‌ها بودند تا رسانه‌ها آهنگ‌هایی را که هنرمندان زن سروده‌اند، نشر نکنند و برنامه‌های دینی را در نشرات خویش بگنجانند. اما در سال دوم حاکمیت شان یاد گرفتند که چگونه از رسانه‌های مستقل که اصولاً باید در کار خود آزاد باشند، به نفع خویش استفاده کنند».

این خبرنگار مقیم در شهر قندهار به خاطر می‌آورد که طالبان بارها به او موضوعاتی را داده اند تا منیث گزارش و خبر به رسانه‌ها بفرستد. عدم همکاری خبرنگاران و رسانه‌ها در این قسمت، خشم طالبان را برمی‌انگیزد تا جایی که کار به بازداشت خبرنگار یا مسدود شدن رسانه می‌کشد.

خانمی از ولایت هرات که قبلاً خبرنگار بود، در پاسخ به یک پرسش در مورد وضعیت دسترسی به اطلاعات اظهار داشت: «شما وضعیت دسترسی به اطلاعات را از این تخمین بزنید که ما نمی‌دانیم آن ملا هبت‌الله یا به اصطلاح «امیر المومنین طالبان» کی است، در کجا است و چه شکلی دارد.»

از مجموع ۳۵ خبرنگار و مسئول رسانه که با آن‌ها به صورت مشخص در مورد دسترسی به اطلاعات، مصاحبه صورت گرفت، هیچ‌کدام راضی نبودند و همه به نحوی از وضعیت موجود شکایت داشتند که طالبان حتا حاضر نیستند در مورد مسایل خیلی عادی هم اطلاعات دقیق را با مردم در میان بگذارند. این مصاحبه‌ها جدا از آن سروی است که به منظور بررسی و مطالعه وضعیت آزادی بیان انجام یافته است.

برخی از وزارت‌ها در ویب‌سایت‌های شان، نشانی یک صفحه‌ی اینترنتی را غرض درخواست اطلاعات جا داده اند که همانا [www.askforinfo.af](http://www.askforinfo.af) است اما وقتی همکاران ما حین تهیه این گزارش خواستند تا به آن ویب‌سایت مراجعه کنند، معلوم گردید که ویب‌سایت متذکره باز نمی‌شود. در برخی از ویب‌سایت‌های برخی وزارت‌ها هنوز هم نشانی‌های ایمیل و شماره‌های تلیفون مسئولین دسترسی به اطلاعات آن نهادها موجود است، اما با وجود تماس‌های مکرر هیچ پاسخی از آن شماره‌های تلیفون و یا نشانی‌های ایمیل دریافت نمی‌شود.

عدم دسترسی شهروندان به اطلاعات که توسط گروه طالبان در آرشیف‌ها و بایگانی‌های ادارات محبوس گردیده است، بازار شایعه‌پراگنی و اخبار نادرست و افواہات را گرم ساخته است. شبکه‌های اجتماعی، گزارش‌های رسانه‌ها، گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که پربیننده‌ترین برنامه‌ها در رسانه‌های کشور، به ویژه تلویزیون‌ها بودند، دیگر همه مملو از اخبار نادرست،

تبلیغات طالبان، شایعات و نظریه‌های سرشار از تیوری توطیہ است کہ سبب گردیدہ تا فضای ذہنی شهروندان کشور را در داخل و خارج، اشغال کنند.

## سروری وضعیت آزادی بیان و امنیت خبرنگاران

حق آزادی بیان و دسترسی به معلومات و اطلاعات یکی از حقوق اساسی و ابتدایی افراد در هر جامعه‌ی دموکراتیک است. در تمام جوامع و به ویژه در شرایط بحران و جنگ، نقش رسانه‌ها در ارایه‌ی معلومات دقیق و به موقع بسیار ارزنده و حیاتی است. اخبار و معلومات قابل اعتماد و دقیق، می‌تواند در مصئونیت شهروندان و هم‌چنان در جلوگیری از جنگ‌ها نقش به‌سزایی داشته و هم‌چنان توجه جامعه‌ی بین‌المللی را نسبت به شرایط یک جامعه جلب کرده و در نهایت سبب بهبود وضعیت در آن جامعه گردد. به همین گونه، رسانه‌ها می‌توانند در بازتاب وقایع و حوادثی که در آن، حقوق بشر و قوانین نقض گردیده و جنایات ضد بشری رخ داده است، نقش داشته و در حدی چشمگیر به رعایت اصول و قوانین کمک کنند. برعکس، در جوامع تحت حاکمیت‌های استبدادی و در جوامعی که گروه‌های مسلح فعال هستند، رسانه‌ها، کارگزاران، شهروندان و همکاران رسانه‌ها با تهدیدهای مختلف مواجه بوده و حلقات حاکم تلاش می‌ورزند تا با وضع کردن سانسور و شرایط استبدادی، از یک سو صدای مخالف را خاموش ساخته و از سوی دیگر اخبار و معلومات را به گونه‌ی مهندسی شده، پخش کرده و مانع بازتاب واقعیت‌ها گردند.

در این سروری به صورت عموم مواردی به شمول تکثرگرایی، استقلال عمل رسانه، فضای رسانه و میزان خودسانسوری، چارچوب‌های حقوقی و قانونی، میزان شفافیت و کیفیت زیرساخت‌ها و امکانات مؤثر در تهیه‌ی خبر و معلومات، مورد مطالعه قرار گرفته است. البته خشونت علیه خبرنگاران، شهروندان و همکاران رسانه‌ها نیز از جمله مواردی است که معمولاً دولت‌های استبدادی، گروه‌های مسلح، سازمان‌ها و حلقات فشار به آن دست می‌یازند که به نوبه‌ی خود بر آزادی رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد و در این سروری مورد بررسی و مطالعه قرار داشته است.

## روش سروری

پرسشنامه‌ی این سروری در آغاز به ۹۳ شخصیت رسانه‌یی در افغانستان فرستاده شد که سرانجام، ۸۳ خبرنگار و کارگزار رسانه از ۲۹ ولایت به شمول ۱۵ خانم به پرسش‌ها پاسخ دادند.

همان گونه که از آغاز به اشتراک‌کنندگان سروری اطمینان داده شده بود، شهرت افرادی که پرسشنامه را پس از خانه‌پری ارسال کرده اند، محفوظ می‌ماند و تنها نتیجه‌ی سروری نشر می‌گردد.

پرسشنامه با توجه به وضعیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی افغانستان و با توجه به معیارهای بین‌المللی سنجش سطح آزادی بیان و رسانه‌ها ترتیب گردیده و برعلاوه، مواردی مانند حق دسترسی به اطلاعات، امنیت فزیک، و تهدیدهای بالفعل و بالقوه را شامل می‌گردد.

به منظور ساده‌سازی روند تحلیل داده‌ها، پرسش‌ها با پاسخ‌های چندگانه ترتیب شده و اشتراک‌کننده‌ها در برابر هر پرسش، یک یا بیشتر موارد مطروحه در پاسخ‌ها را انتخاب کرده‌اند.

## محدودیت‌های سروی:

از میان شخصیت‌هایی که با آنان تماس گرفته شد، ۱۰ نفر به علت مشکلات امنیتی و ملاحظات فردی به پرسش‌ها پاسخ نگفتند و به همین گونه در پنج ولایت به شمول نورستان، کنر، زابل، نیمروز و ارزگان هیچ‌گونه تماسی با کارگزاران رسانه‌ها برقرار نشد.

با توجه به محدودیت دسترسی به کارگزاران رسانه‌ها و شهروندان همکار، تنها با شخصیت‌هایی که نشانی تماس شان دستیاب بود، تماس برقرار شده و ممکن است تعدادی چشمگیر با وجود علاقه‌مندی به سهمگیری در سروی در جریان قرار نگرفته باشند.

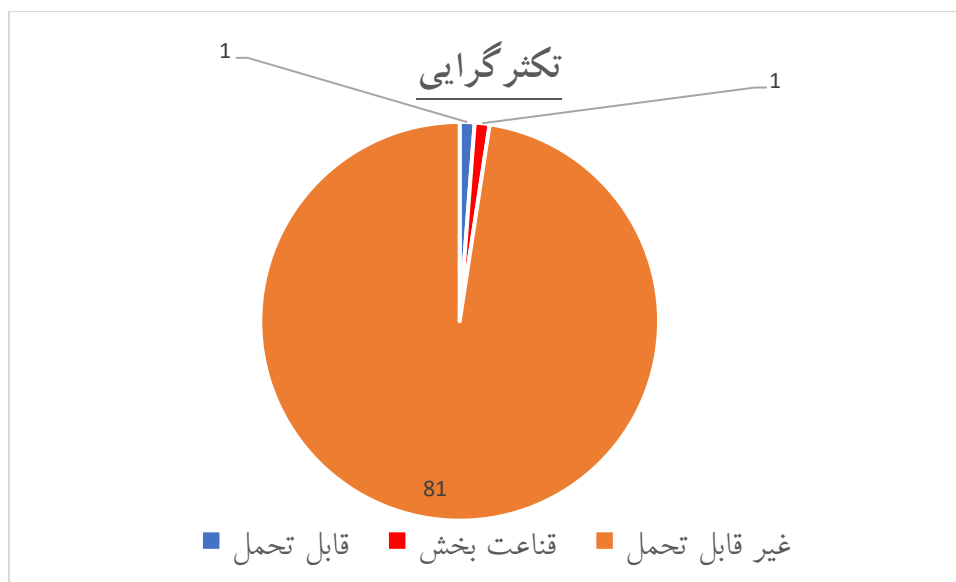
محدودیت دسترسی به کارگزاران، هم‌چنان سبب گردید تا سروی محدود به شهرها مانده و با خبرنگاران و کارگزاران رسانه‌ها در ولسوالی/بخشداری‌ها تماس برقرار شده نتواند.

عدم دسته‌بندی رسانه‌ها به چاپی، تصویری و صوتی نیز یکی از محدودیت‌های سروی است و این فرصت میسر نگردید تا اشتراک‌کننده‌های سروی از نظر مصروفیت شان در یکی از انواع رسانه، دسته‌بندی شوند.

## نتایج و یافته‌ها

### ۱- تکثرگرایی:

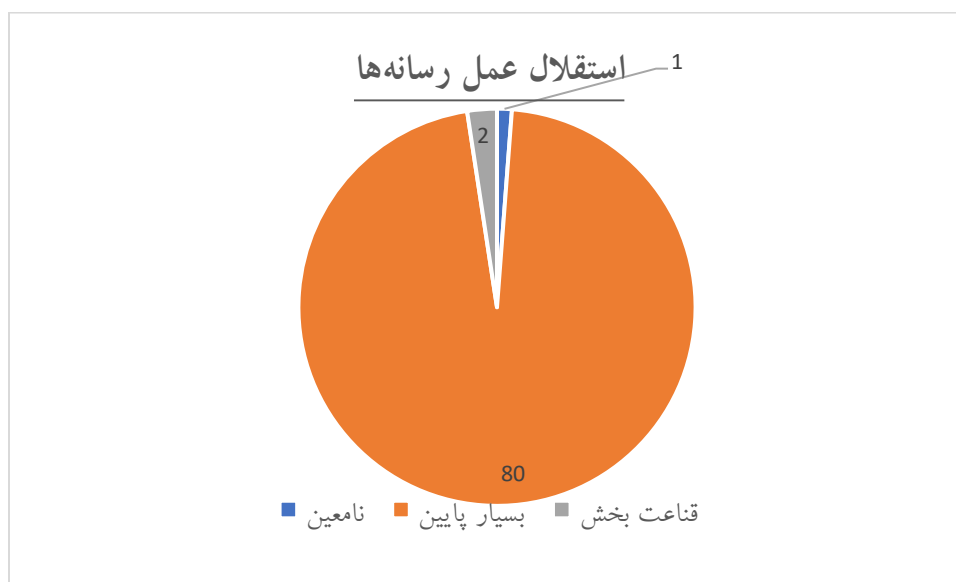
تکثرگرایی عمده‌ترین اصل در تضمین آزادی بیان و بازتاب نظریات متفاوت در یک جامعه‌ی باز و دموکراتیک است. نتایج سروی نشان می‌دهد که در افغانستان امروز با آن که تعدادی از رسانه‌های ۲۰ سال پسین هنوز فعال هستند، اما به شیوه‌های مختلف موانعی در برابر تکثرگرایی ایجاد می‌شود. از آن جمله، اعمال محدودیت به دسترسی به بعضی رسانه‌های خارجی، جلوگیری از حضور برخی چهره‌های منتقد و مخالف طالبان در رسانه‌ها، بازداشت و محبوس کردن منتقدان و رهایی آن‌ها تنها پس از گرفتن تضمین معتبر مبنی بر عدم حضور دوباره در رسانه‌ها و انتقاد از گروه طالبان و در زندان نگهداشتن آن عده منتقدان که حاضر به دادن یک چنین تضمینی نیستند.



نتایج سروی نشان می‌دهد که ۸۱ اشتراک‌کننده وضعیت تکثرگرایی را غیر قابل تحمل دانسته و فقط یک اشتراک‌کننده آن را قناعت بخش و یکی دیگر قابل تحمل دانسته‌اند.

## ۲- استقلال عمل رسانه:

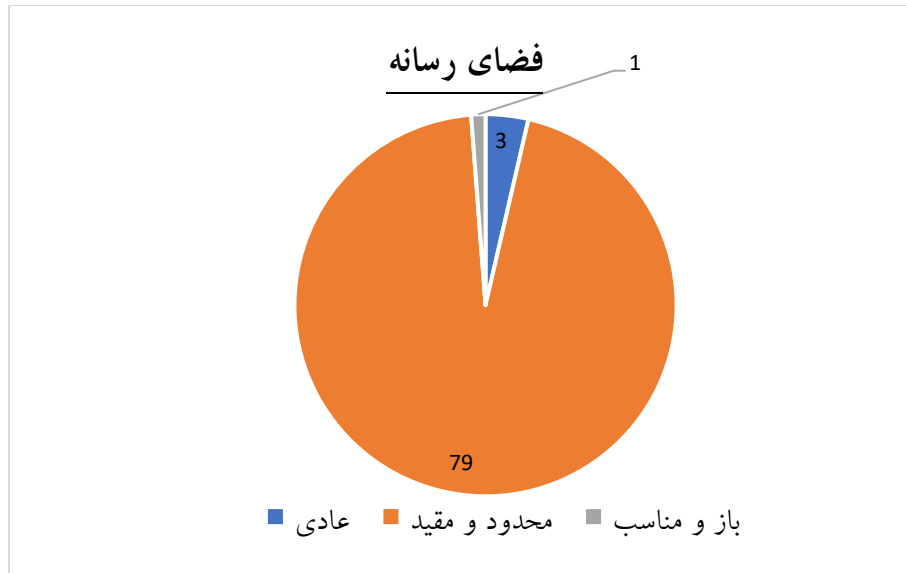
به صورت عموم اشتراک‌کننده‌های سروی، سطح استقلال رسانه‌ها را در مقایسه با سال‌های پیش از حاکمیت طالبان بسیار پایین گزارش داده و آن را در خصوص انتخاب نوع و محدوده‌ی موضوعات نشراتی، محافظه‌کارانه و محدود دانسته و عمده‌ترین دلیل آن را موجودیت دوامدار تهدید گزارش داده‌اند. ۸۰ اشتراک‌کننده، سطح استقلال را بسیار پایین، ۲ اشتراک‌کننده آن را قناعت بخش، و تنها یک اشتراک‌کننده را آن را نامعین گزارش داده است.



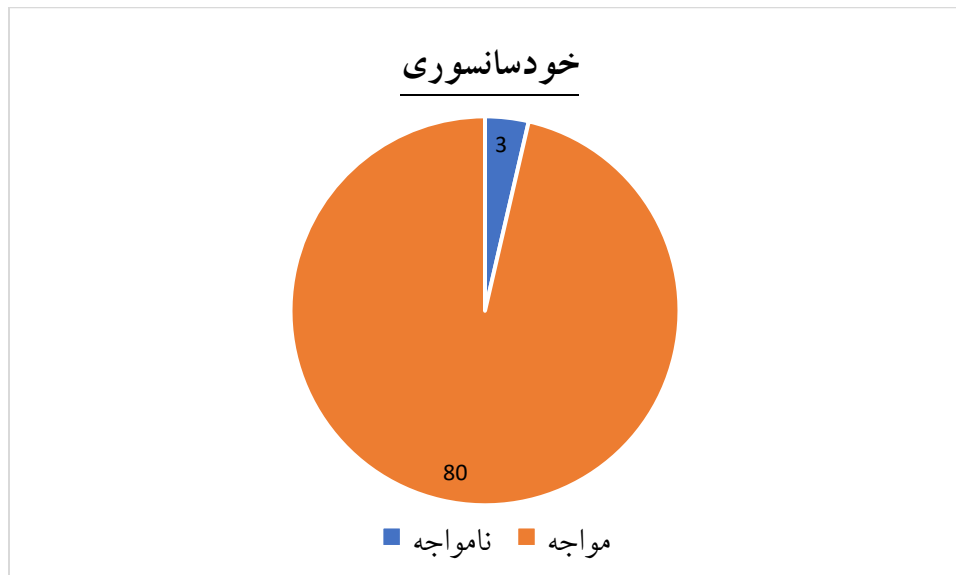
## ۳- فضای رسانه و میزان خودسانسوری:

در بخش فضای رسانه به اشتراک‌کننده‌ها توضیح داده شده بود که منظور از آن وضعیت فضای کار، میزان آزادی در انتخاب موضوعات، و سطح اطمینان مصئونیت فردی پس از نشر مطالب مورد نظر است. از میان اشتراک‌کننده‌ها، ۷۹ نظردهنده، فضای رسانه‌ها را محدود و مقید دانسته، در حالی که ۳ اشتراک‌کننده آن را عادی و تنها یک اشتراک‌کننده آن را باز و مناسب گزارش داده است.





در بخش خودسانسوری، نیز وضعیت و نتیجه‌ی سروی با فضای رسانه مشابه و همسان است. از میان نظر دهنده‌ها ۸۰٪ اشتراک‌کننده خود را مواجه با خودسانسوری دانسته و فقط ۳٪ اشتراک‌کننده موجودیت خودسانسوری را رد کرده‌اند. ممکن است که ساحه و بخش کاری این اشتراک‌کننده‌ها شامل موضوعاتی باشد که خودسانسوری را سبب نمی‌شود.

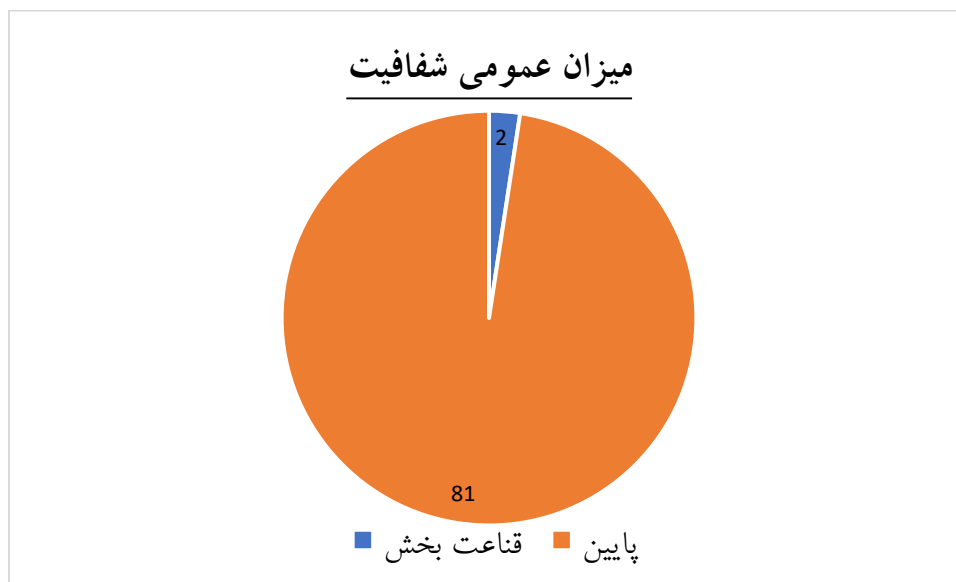


#### ۴- چارچوب‌های حقوقی و قانونی:

چارچوب‌های حقوقی و قانونی تا اندازه‌ای در سالیان میان ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ ایجاد گردید. با آن که چارچوب‌های حقوقی و قانونی از جانب دستگاه‌های حکومتی کمتر رعایت می‌گردید، اما نفس موجودیت شان به حیث یک تضمین مهم، دست خبرنگاران و رسانه‌ها را باز نگه می‌داشت. در رابطه به توقع و امیدواری نسبت به رعایت چارچوب‌های حقوقی و قانونی، تمام ۸۳ اشتراک‌کننده اظهار داشته‌اند که هیچ‌گونه تضمین در این رابطه وجود نداشته و در صورتی که کار به دستگاه عدلی و قضایی برسد، چارچوب‌های حقوقی و قانونی قبلی در نظر گرفته نخواهند شد.

#### ۵- میزان شفافیت:

موجودیت شفافیت در همه‌ی قدمه‌ها از نیازهای اساسی در اطلاع‌رسانی سالم است. منابع تمویل رسانه، موجودیت اطمینان نسبت به صداقت منابع خبری، دسترسی شفاف به اسناد منابع خبری و رعایت شفافیت در پخش اخبار و اطلاعات در دستگاه رسانه، هر کدام به نوبه‌ی خود در کار اطلاع‌رسانی سالم مهم‌اند.



نتیجہ‌ی سروی نشان می‌دهد که ۸۱ اشتراک‌کننده میزان عمومی شفافیت را پایین دانسته و فقط ۲ اشتراک‌کننده آن را قناعت بخش توصیف کرده‌اند.

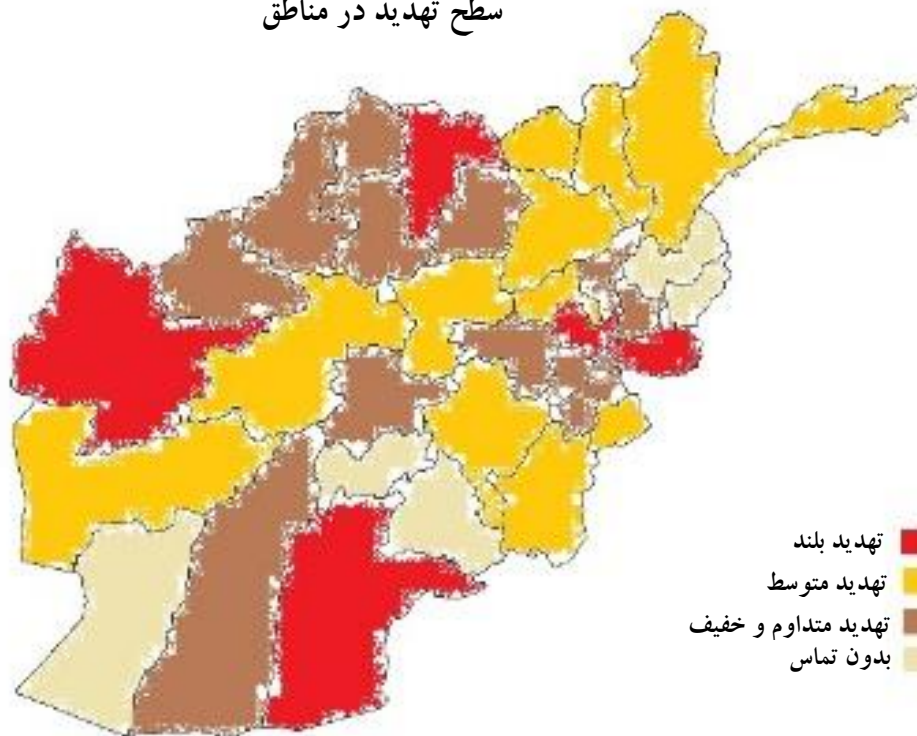
## ۶- کیفیت زیرساخت‌های مؤثر در تهیه‌ی خبر و معلومات:

تمام اشتراک‌کننده‌های سروی به این نظر بودند که تغییر منفی قابل ملاحظه در سطح کیفیت زیرساخت‌های مؤثر در تهیه‌ی خبر و معلومات رخ نداده، اما کار خبرنگاری آزاد و سالم و پخش آزادانه‌ی معلومات و اطلاعات به دلایل دیگری غیر از کیفیت زیرساخت‌ها، صدمه دیده است. باور عمومی این بود که به استثنای خطرناک بودن برقراری تماس با هر گونه منبع غیر از منابع گروه حاکم، سایر موارد مربوط به زیرساخت‌ها تقریباً دست‌ناخورده باقی مانده است.

## ۷- خشونت علیه خبرنگاران:

موارد متعدد خشونت از خفیف تا بسیار جدی و حتا کشته شدن خبرنگاران در تمام ولایات مورد سروی گزارش یافته است. به اساس یک تفصیل، دلیل کمتر شدن تعداد خشونت‌های گزارش یافته، ترس و بیم حاکم از گزارش دادن تخلفات و هم چنان عدم ثبت آن است. در کنار این امر، کم شدن تعداد خبرنگاران فعال و هم چنان عدم فعالیت برخی از رسانه‌ها، به نوبه‌ی خود در کمتر شدن تعداد خشونت‌های گزارش یافته مؤثر بوده است.

سطح تهدید در مناطق

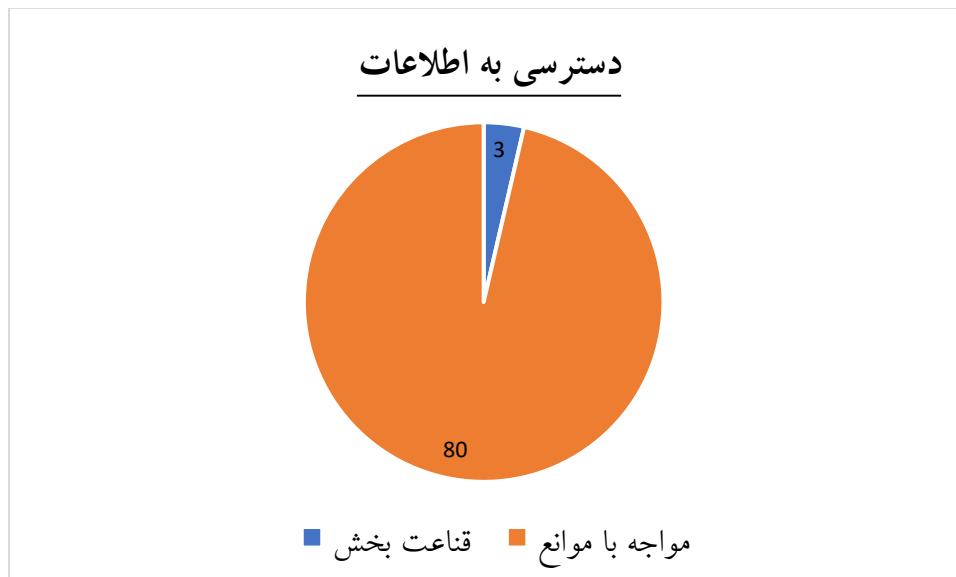


به اساس معلوماتی که در سروی به دست آمده، سطح تهدید مستقیماً با سطح جدیت کار رسانه‌یی ارتباط داشته و در ولایاتی که تعداد رسانه‌ها زیاد و نفوس بیشتر مردم متمرکز است، سطح تهدید نیز بلندتر و جدی‌تر بوده است.

## ۸- حق دسترسی به معلومات:

عدم ایجاد مانع در مسیر دسترسی خبرنگاران به معلومات و به همین گونه، عدم ایجاد مانع در پخش اطلاعات و یا دسترسی شهروندان به معلومات، دو اصل مهم است که به صورت مشترک، حق دسترسی به معلومات دانسته می‌شود. در نظام‌های دموکراتیک، تضمین هر دو حق به آگاهی مردم از روش‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های نظام‌های حاکم انجامیده و این فرصت و زمینه را به مردم مساعد می‌سازد تا در روشنی معلومات حاصله، تصمیم معقول در خصوص نظام را اتخاذ کنند. برعکس، در نظام‌های مستبد و غیردموکراتیک، نه تنها در مسیر دسترسی خبرنگاران به معلومات، موانع متعدد ایجاد می‌شود، بلکه حق دسترسی شهروندان به معلومات نیز اخلاص گردیده و تلاش می‌شود تا حداکثری دخالت در نحوه‌ی پخش معلومات عملی گردد.

نتیجه‌ی سروی نشان می‌دهد که ۸۰ اشتراک‌کننده دسترسی به اطلاعات و معلومات را مواجه با موانع دانسته و فقط ۳ اشتراک‌کننده آن را قناعت بخش خوانده‌اند.



نتایج سروی به صورت عموم، وضعیت کار خبرنگاری، آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و حق چرخش معلومات در تحت حاکمیت طالبان را بسیار بحرانی و مواجه با انواع تهدید نشان می‌دهد که می‌تواند به آزادی بیان در افغانستان که هنوز نوپا بود، کشنده تمام شود.

## بنیاد فهیم دشتی

پس از شهادت محمد فهیم دشتی در سپتامبر ۲۰۲۱ توسط گروه طالبان در ولایت پنجشیر، به منظور ادامه‌ی راه و آرمان او، عده‌ای از دوستان و همکاران او در هماهنگی با خانواده‌ی شهید دشتی، تصمیم به ایجاد بنیاد فهیم دشتی گرفتند.

بنیاد فهیم دشتی که منحصیث یک نهاد غیرانتفاعی در دولت فدرال کانادا در سال ۲۰۲۲ به ثبت رسیده است، به منظور حمایت از خبرنگاران، رسانه‌های آزاد، آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات در افغانستان فعالیت می‌کند.

بنیاد به منظور ایجاد یک چتر وسیع جهانی متشکل از نهادهای حامی آزادی بیان و رسانه‌های آزاد تلاش می‌کند تا ائتلاف جهانی برای حمایت از این ارزش‌ها که اینک در افغانستان توسط گروه طالبان منسوخ گردیده اند، را به وجود بیاورد. حمایت از خبرنگارانی که در داخل افغانستان با تحمل صدها مشقت که گاه خطر بازداشت و شکنجه شدن را نیز در پی دارد، در اولویت برنامه‌های بنیاد فهیم دشتی قرار دارد.